



عدم افول نقش تمدنی شیعه با اقدامات خواجه نصیرالدین طوسی

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) گفت: اگر خواجه نصیر نبود نقش تمدنی شیعه در دوران حمله مغول افول پیدا می کرد و امروز دیگر از شیعه و فعالیت های شیعه و نقش تمدنی آن کمتر اطلاع داشتیم.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) گفت: اگر خواجه نصیر نبود نقش تمدنی شیعه در دوران حمله مغول افول پیدا می کرد و امروز دیگر از شیعه و فعالیت های شیعه و نقش تمدنی آن کمتر اطلاع داشتیم.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد یاوری عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم(ع) در مورد اهمیت اقدامات خواجه نصیرالدین طوسی و نقش تمدنی شیعه در تاریخ اسلام گفت: نقش شیعه در تمدن سازی نقشی غیرقابل انکار است و مخالفان شیعه و عمدتاً مستشرقان معتقدند شیعه نقش تمدنی فعالی نداشته و بیشتر منفعل بود. مرحوم نجاشی در کتاب رجال خود می گوید «مخالفان به ما طعنه می زنند که شیعه نقش تمدنی نداشته است». در قرن های بعد ما شاهدیم که مخالفان شیعه مانند احمد امین و مستشرقان در کتاب های خود به این مساله پرداخته اند.

وی افزود: ما از نقش تمدنی شیعه دفاع می کنیم و در این زمینه به اقدامات خواجه نصیرالدین طوسی اشاره می کنیم. شیعه نه تنها منفعل نبوده بلکه دارای نقش فعالی بوده و وارد عرصه علم و عمل شده و تمدن اسلامی را تعالی بخشیده است. لازمه داشتن نقش تمدنی شناخت تمدن و درک درست از تمدن و نقش عالم از تمدن اسلامی است. به همین علت خواجه نصیرالدین طوسی با تکیه بر آیات و روایات و توصیه های اهل بیت(ع) به عرصه تمدنی وارد می شود.

یاوری بیان کرد: گام اول خواجه نصیر در عرصه تمدنی این بود که در حوزه های مختلف علوم اسلامی و آنچه که نیاز بشر به علوم اسلامی و علوم طبیعی است، کسب علم کند. او در حوزه های طب، فقه، کلام، ریاضیات، فلسفه، کلام، اخلاق، سیاست و نجوم وارد شد و با پیگیری اندیشه ها و تفکرات گذشتگان و مکاتب گذشته، به نقد و ارزیابی دیدگاه های دیگر می پردازد. بنابراین درک درستی از وضعیت فکری و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی به دست می آورد.

وی تصریح کرد: گام دوم نقش تمدنی خواجه نصیرالدین طوسی این بود که آنچه در عرصه نظری و علوم کسب کرده در عرصه عمل تجلی پیدا کند. تمدن مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی است به همین دلیل خواجه نصیرالدین در وضعیت بحرانی عصر خود که مواجهه با حمله مغول بود، در قالب عالمی که اگرچه دیگران معترض به او هستند و با او برخورد می کنند، وارد عرصه عمل می شود و مدیریت اوقاف آن دوران را به عهده می گیرد.

عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم گفت: او به عنوان یک مرجع و نه به عنوان عمال حکومت ظلم، مدیریت اوقاف را می پذیرد. خواجه نصیر درآمدهای اوقاف را خرج علم آموزی می کند. در زمان او مراکز علمیه و کتابخانه ها جان دوباره ای گرفتند زیرا قدرت و پول و منابع مالی در دست او بود و آن را در راه مراکز علمی هزینه می کرد.

یاوری اضافه کرد: گام دیگر خواجه نصیر در راستای نقش عینی و عملی این بود که مراکزی مانند رصدخانه ها که نیاز جامعه بود را تاسیس و کتابخانه ها را احیا و نگهداری کرد و از نابودی آنها به دست مغولان جلوگیری کرد. ما امروز وجود بسیاری از آثار و کتاب های علمی را مدیون خواجه نصیرالدین طوسی هستیم.

یاوری با بیان اینکه خواجه نصیر برای اینکه نقش خود را به عنوان مرجعیت به درستی ایفا کند از علمای شیعه حمایت کرد، گفت: حیات علمی جامعه به حضور فعال دانشمندان آن جامعه است. او در دولت هلاکو که به سرزمین های اسلامی حمله کرده بود، مرکزیت علم و اجتهاد و حضور فعال دانشمندان را احیا کرد.

یاوری در ادامه گفت: خواجه نصیر دیدگاه و اندیشه سیاسی خود را بازخوانی کرد و از آنچه که اندیشه سیاسی شیعه است به تناسب وضعیت موجود، دیدگاه سیاسی خود را مطرح کرد و در این دیدگاه بر محوریت و مرجعیت فقیه در جهان اسلام و نفی حکومت ظلم و بنی عباس نقش خود را ایفا کرد. نقش و اندیشه سیاسی او در تمام برنامه های او حضور چشم گیری دارد. لذا عده ای از این شخصیت به عنوان یکی از ستاره های روشن دانش و علوم اسلامی یاد می کنند.

وی افزود: خواجه نصیر در وضعیت بحرانی که شیعه پراکنده شده و حاکمیت بنی عباس و حملات مغولان پیش آمده، تلاش می کند وظایف اصلی اهل بیت(ع) را در برنامه های خود تجلی دهد. یکی از کارهایی که اهل بیت(ع) بر آن تاکید دارند احیای دین خدا و اجرای آن و حراست و پاسداری از دین و اقامه حدود الهی است. او در آن وضعیت بحرانی با توجه به نگاهی که به وضعیت جامعه و نقشی که دارد، شیعه را از بحرانهای سیاسی و اجتماعی عبور داد تا نقش تمدنی استمرار پیدا کند.

یاوری اضافه کرد: اگر خواجه نصیر نبود نقش تمدنی شیعه در این دوره افول پیدا می کرد و امروز دیگر از شیعه و فعالیت های شیعه و نقش تمدنی آن کمتر اطلاع داشتیم.

وی با اشاره به نقش خواجه نصیر در حمله هلاکو به بغداد گفت: در دوره ای که مغول به جامعه اسلامی حمله می کند، حکومت های سرزمین های اسلامی و خلافت بنی عباس ظالمانه اند زیرا در اندیشه سیاسی شیعه به این دلیل که حق اهل بیت(ع) غصب شده، خلافت بنی عباس غاصب است. خلفای عباسی از دیدگاه علمای شیعه و خواجه نصیرالدین طوسی مطرود هستند. در این میان خواجه میان حضور خلفای عباسی و مغولان شرایط را رصد می کند و به تشخیص او شیعه نیاز به حفظ و حراست دارد و فعلا در وضعیت موجود باید اندیشه ای مطرح شود تا شیعه از بحران نجات پیدا کند.

وی بیان کرد: او با دو مساله مواجهه بود که هیچ کدام مورد قبول او نبودند. اگر او در مقابل مغول می ایستاد، آنها شیعیان و عالمان و آثارشان را از بین می بردند. از سوی دیگر هم خواجه نصیر حکومت عباسی را غاصب می داند، لذا اندیشه سیاسی خواجه و علمای آن عصر همراهی کردن و کنار آمدن با حاکم عادل و غیرمسلمان بهتر از همراهی با حاکم ظالم مسلمان است. این اندیشه در وضعیت بحرانی نسبت به شرایط بحرانی تولید شده نه اینکه این حرکت صحیح است.

وی در پایان گفت: حق آن است که حاکم اسلامی باید عادل باشد و دارای مشروعیت الهی گردد اما حاکم عادل نیست. پس باید به حفظ شیعه توجه شود لذا همکاری و همراهی با مغول مطلوب عقلی است و گزارشهای تاریخی این کار را تایید می کند. خواجه نصیر برای حفظ شیعه همکاری با مغول را انجام می دهد و نه اینکه مغولان را قبول داشته باشد. خواجه نصیر مغول را مقبول می داند اما آن را مشروع نمی داند و چاره ای هم ندارد.